

شیخ بهایی، عالم ذوالفنون تشیع

شیخ بهایی بی شک یکی از تاثیرگذارترین علمای اسلام در تاریخ تشیع بوده است. بهاء الدین محمدبن شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد معروف به شیخ بهایی از علمای بزرگ جهان تشیع است ...



شیخ بهایی بی شک یکی از تاثیرگذارترین علمای اسلام در تاریخ تشیع بوده است. بهاء الدین محمدبن شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد معروف به شیخ بهایی از علمای بزرگ جهان تشیع است که تاثیر زیادی در تاریخ تشیع و علم و همچنین تاریخ فرهنگی سیاسی ایران عصر صفوی داشته است. او در تمام علوم تبحر خاصی به دست آورد و نه تنها عالم دینی و مردی متکلم بود، بلکه با زنده کردن دوباره علم ریاضی، مهندسی و معمار بودن خود را در این رشته به رخ جهانیان کشید و رساله‌هایی در باب ریاضیات و نجوم نوشت و با علم کیمیا و علوم غریبه نیز آگاهی داشت، یونسکو نیز به پاس تلاش‌های ستاره‌بی‌بدیل تشیع و مایه افتخار جهان اسلام، سال 2009 را به نام «نجوم و شیخ بهایی» نامگذاری کرد. به مناسبت سوم اردیبهشت روز بزرگداشت این عالم بزرگ، گوشه‌ای از شناخت نامه وی و نظر امام خمینی در رابطه با ایشان منتشر می‌شود.

به گزارش شفقنا به نقل از جماران، تبیین فرهنگ و هنر ایران دوره ی صفوی قطعاً با بررسی نقش افراد یا شخصیت‌های برجسته‌ای چون شیخ بهایی بسیار کارساز است. او با تکیه به قدرت ایمان و استفاده از استعداد فطری و تلاش و کوشش بی‌وقفه خود، توانست قله‌های علوم زمان خود را یکی پس از دیگری ببیماید و به جامعیت علمی عصر خویش نائل آید. او همچنین با سفر به شهرها و کشورهای مختلف، حضور در محضر دانشمندان و عارفان بنام عصر خود و تحمل سختی‌های فراوان توانست در مسیر خود سازی نیز گام‌های بلندی بردارد. شیخ بهایی با استفاده از نزدیکی به سلاطین صفوی سعی در ترویج و تثبیت تشیع کرد. نزدیکی شیخ بهایی با حکومت نه به خاطر صله و هبه بلکه در راستای استفاده از امکانات حکومتی برای گسترش علوم و فنون و فلسفه و حکمت پیوند خورده با تشیع بوده است. امام خمینی علاوه بر اینکه در آثار خود چون شرح حدیث جنود عقل و جهل و چهل حدیث در مواردی به آرای شیخ بهایی مراجعه و استناد کرده است. در سخنانی از مشی مسالمت آمیز او با حکومت صفوی دفاع کرده است.

دفاع امام خمینی از عملکرد و شخصیت شیخ بهایی

امام خمینی درباره شیخ بهایی می‌فرمایند: «یک طایفه از علما، اینها گذشت کرده اند از یک مقاماتی و متصل شده اند به یک سلاطینی با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق اینها متصل شده اند به یک سلاطینی، و این سلاطین را وادار کرده اند - خواهی نخواهی - برای ترویج مذهب، مذهب دیانت، مذهب تشیع. اینها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. سلاطین، اطرافیان آقایان بودند. الآن هم حجره شاه سلطان حسین در چهارباغ اصفهان، در مدرسه چهارباغ اصفهان، الآن هم حجره اش هست. اینها او را کشاندنش تو [ی] حجره، نه اینکه او اینها را کشیده است دنبال خودش. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند. نباید یک کسی تا به گوشش خورد که مثلاً مجلسی - رضوان الله علیه - محقق ثانی - رضوان الله علیه - نمی‌دانم شیخ بهایی - رضوان الله علیه - با اینها روابط داشتند و می‌رفتند سراغ اینها همراهی شان می‌کردند، خیال کنند که اینها مانده بودند برای جاه و - عرض می‌کنم - عزت، و احتیاج داشتند به اینکه شاه سلطان حسین و شاه عباس به آنها عنایتی بکنند! این حرفها نبوده در کار. آنها گذشت کردند؛ یک گذشت، یک مجاهده نفسانی کرده اند برای اینکه این مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها [ترویج کنند].... مردم آن عصر شاید اشکال به آنها داشتند از باب نفهمی، چنانچه حالا هم اگر کسی اشکال کند نمی‌داند قضیه را، نه [اینکه] غرض دارد، نمی‌داند قضیه را. زمان ائمه هم بودند. علی بن یقطين هم از وزرا بود. در زمان ائمه هم بودند. خود حضرت امیر را چرا نمی‌گوییم؟ بگوییم حضرت امیر هم هست؟ حضرت امیر بیست و چند سال به واسطه مصالح عالیه اسلام در نماز اینها رفت - عرض بکنم که - تبعیت از اینها کرد، برای اینکه یک مصلحتی بود که فوق این مسائل بود. سایر ائمه - علیه‌السلام - هم گاهی مسالمت می‌کردند.» (صحیفه امام، ج3، ص: 240 و 241 - سخنرانی امام در نجف: 10 آبان 1356)

شیخ بهایی ادیب

شیخ بهاء الدین عاملی در عرصه ادبیات چه ادب عربی و یا فارسی دارای قوتی فوق العاده و مثال زدنی بوده است. وی با آن که زاده و پرورده خاندانی از تبار عرب است به مدد استعداد خداداد، فارسی را به نیکویی آموخته بود و آثار پخته فارسی اش به نظم و نثر گواه این مدعایند. این در حالی است که حتی پدرش با آن که در بلاد فارسی زبان محل مراجعات گردیده و به شیخ الاسلامی رسیده بود، به تصریح فضایی مانند مؤلف ریاض العلماء یعنی میرزا عبدالله افندی شنیده نشده است که زبان فارسی آموخته باشد. پس محیط خانوادگی شیخ حتی در ایران، عربی زبان بوده است لیک بدان پایه بر آمد که امروز در تاریخ ادب فارسی و نگارش‌های ایرانی او رادر زمره برترین استادان سخن ایران در عهد صفویه یاد می‌کنند. و بدان پایه می‌رسد که معاشران ادیب و سخندانان او را دارای طبعی عالی و بلاغت و شیرینی بیان وصف کرده اند.

سروده‌های فارسی او مانند مثنویات از جمله نان و حلوا و شیر و شکر و نیز تخمیس غزل خیالی بخارایی (تا کی به تمنای وصال تو یگانه) قابل توجه است. مؤلف عالم آرای عباسی که خود نیز در مرتبه‌ای والا از ادب و انشاء بوده شیخ را فردی که در فنون سخنوری قصب السبق از اقران ربوده اند، توصیف نموده است.

آثار شیخ در ادب عربی نیز مرتبه‌ای والا دارد به طوری که از برجسته‌ترین آثار منظوم شیخ به زبان عربی، چکامه الفوز والامان در ستایش حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه است این اثر آوازه‌ای بلند یافته و شروح و تعلیقاتی نیز بر آن نوشته شده و حتی احمد بن علی مینی (متوفی 1172 ق) شرح مشهوری بر آن نوشته است.

حکمت و فلسفه شیخ بهایی

بهاء الدین عاملی را از ناقدان فلسفه معرفی کرده‌اند و شیخ با مذاق عرفانی ویژه‌ای که داشت به فلسفه رسمی آن روز، که خود آن را حکمت یونانیان می‌خواند، به عین عنایت نمی‌نگریست و در مقابل بیشتر به حکمتی ایمانی که در واقع همان عرفان اسلامی بود فرا می‌خواند. در حقیقت عاملی فلسفه را مأمن و خاستگاه چندان محکمی که بشود بوسیله آن به اطمینان رسیده و با ثمرات آن زندگانی و معرفت دینی را استوار کرد نمی‌داند که این مطلب در برخی اشعار او انعکاس یافته است. البته در علت موضع‌گیری‌های شیخ نسبت به فلسفه و حکمت یونانی باید توجه داشت که سخنان او در این زمینه از دو جا نشأت گرفته است. یکی منازعات دیرینی که در جهان اسلام میان متصوفان و متفلسان بود و شیخ نیز در این برش تاریخی از آن منازعات، به مانند بسیاری از سلف عرفانگرای خویش، حکمت یونانی را تا حدودی معارض اهل ایمان به حساب می‌آورد و دیگر مواضع عرفانی وی نسبت به عموم علوم چرا که اگر این دانش‌ها متکی به عوامل عاشقانه و ذوق عارفانه نباشد ملال انگیز و اسباب قیل و قال اهل دنیا است و ثمره‌ای ندارد. البته شیخ بهایی خود نیز با حکمت و فلسفه آشناست و گاهی به آراء اهل فلسفه نیز پرداخته است چنانچه آن را در آثاری مانند الصدیقة الهلالية گفتار فلاسفه آن روزگاران را مبنی بر امتناع خرق افلاک با قاطعیت رد کرده و ادله آنان را برای اثبات این ادعا ناچیز دانسته است.

شیخ بهایی و ملاصدرا

صدرالدین محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی، مشهور به ملاصدرا، از شاگردان معروف شیخ بهایی بوده است. ملاقات شیخ با ملاصدرا، یکی از پر ثمرترین ملاقات‌ها در طول تاریخ است. حضور استادی چون شیخ بهایی و شاگردی چون ملاصدرا، در مدرسه «خواجه» شور و حالی تازه پدید آورده بود. هر کلمه، جمله و یا اشاره‌ای مبنای بحثی پرجاذبه می‌گردید. انطباق دو فکر، وحدت دو عقیده، یگانگی خط مشی و جهان بینی واحدی که این دو بزرگوار داشتند، آنان را بیش از پیش به هم نزدیک کرده بود.

عرفان شیخ بهایی

یکی از ویژگی‌های و جنبه‌های شخصیت بهاء الدین عاملی عرفان او است. برخی از فضایل عصرش او را در مقامی والا از عرفان دانسته‌اند. به طوری که نصرآبادی درباره او آورده است: در تزکیه نفس و تصفیه باطن عدیل نداشت. امروز در تکیه بابا رکن الدین چله خانه‌ای وجود دارد که معروف است شیخ بهایی در آن مکان به ریاضت مشغول می‌شده است. و یا به نقل مرحوم جناب آمده است که شیخ در مدرسه بابا قاسم اصفهان حجره‌ای داشته که معروف به توحید خانه بوده و در آن به فکر و ذکر پرداخته است.

البته از بررسی آثار شیخ به ویژه از مثنویاتش بر می‌آید که علیرغم دلبستگی‌هایی که وی به تصوف و اندیشه‌های آنان دارد از برخی متصوفان و خانقاهیان روزگار خود سخت دلگیر و آزرده است. از بعضی صوفیان آن دوران نقل است که مدرسه و خانقاه در این جزو زمان به ابتذال و انحراف کشیده شده و هم فقر صوفیانه و هم علم دانشورانه ابزار جلب منافع مادی گردیده است. آنچه به دست می‌آید این که: انحرافات و بدعت‌هایی که در آن عصر در میان کثیری از مدعیان تصوف وجود داشت و بخصوص رفتارهای زشتی که از شماری از صوفیان قزلباش سرزده بود و می‌زد، سبب می‌گردید عالمان متعهدی که گرایش صوفیانه داشتند ولی متشرع بودند در سلوک و ریاضت خویش از بدعت‌ها و هواپرستی‌های مدعیان اجتناب می‌کردند، حتی المقدور طریق خود را از آنان جدا کنند و از هشدار و تحذیر درباره انحرافات دریغ نورزند.

آثار معماری بر جای مانده از شیخ بهایی

از شیخ بهایی علاوه بر آثار و تألیفات علمی، آثار عمرانی بسیار برجای مانده است از آن جمله می‌توان به حمام معروف شیخ، طراحی و معماری شهر نجف آباد و حصار شهر نجف اشرف اشاره کرد. وی همچنین در معماری مسجد امام و در اتمام بنای معروف مسجد شیخ لطف الله نیز دست داشت. شعر رسای عربی که بر سر در زیبای مسجد شیخ لطف الله منقوش است نیز از آثار اوست.

استادان و شاگردان شیخ بهایی

بنا به قول صاحب تاریخ عالم آرای عباسی، شیخ، تفسیر، حدیث و ادبیات عرب را از محضر پدر، حکمت و کلام را از مولانا عبدالله مدرسی یزدی، ریاضی را ملاعلی مذهب و ملافضل قاضی مدرس و ملامحمد باقر بن زین العابدین یزدی و طب را از حکیم عمادالدین محمود آموخت. در مورد شاگردان او گفته شده است که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم ه. ق. از او کسب علم کرده‌اند. ملاصدرای شیرازی، ملامحسن فیض کاشانی، محمدتقی مجلسی و فیاض لاهیجی از مهم‌ترین شاگردان وی به شمار می‌روند.

آثار شیخ بهایی

– کتب فقهی و اصولی؛

«رسالة الحریریة»، «اثنا عشریات خمس»، رساله‌ای درباره «قصر الصلاة فی الاماکن الاربعة»، رساله‌ای در باب «استحباب قراءة السورة بعد الحمد فی الصلاة»، «تحریم ذبائح اهل کتاب»، «رسالة الاعتقادیة» که شیخ بها این رساله را برای تفاوت مذهب شیعه اثنی عشری با دیگر صاحبان عقاید فاسدی که خود را شیعه می‌خواندند، نگاشت، «غرائب سور القرآن»، رساله «ارثیه» یا

«فرائض البهائية».

«جامع عباسی» شاخص ترین اثر شیخ در باب فقه است که به زبان فارسی نگاشته که اولین اثر رساله فقه فارسی غیر استدلالی محسوب می‌شود.

«الزبدة فی الاصول» مهم‌ترین اثر شیخ در اصول است.

«اربعین» طبق پیروی از حدیث رسول مبنی بر نقل چهل حدیث از او، شیخ بهایی نیز طبق سنت دیگر علما به تالیف اربعین روی آورد، با این تفاوت که شرح کافی و جامع درباره احادیث یاد شده دارد و در مجموع، از بهترین و معروف‌ترین اربعین‌ها می‌باشد و این اثر بعد از مثنوی سوانح حجاز، تنها اثری است که شیخ در آن به مباحث سیاسی پرداخته‌است.

– کتب تفسیر و روایی؛

«عین الحیة»، «عروة الوثقی»، «حبل المتین فی الاحکام الدین»، «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین».

– کتب فلسفی؛

رسالاتی موسوم به «جوهر الفرد».

– کتب ادعیه؛

«حدائق الصالحین فی شرح صحیفه سید الساجدین»، «شرح دعای صباح»، «حديقة الاخلاقية»، «حديقة الهلالية»، «مفتاح الفلاح».

– کتب نحوی؛

«صمدية فی النحو»، شامل فایده‌های پر ارزشی از قوانین عرب است و مانند معمول کتاب‌های نحوی مطالب مختصر و موضوعی آمده ولی شیخ با توزیع موضوعات ابتکاری، وجهه دیگری به آن بخشیده است.

– کتب علمی؛

«خلاصة الحساب»، مهم‌ترین تالیف شیخ بهایی در باب ریاضیات است، «تشریح الافلاک»، «تحفه حاتمی» یا «هفتاد باب در اسطرلاب».

و همچنین «لغز الزیده» یا «لغزیه» یا «رضویه»، «لغز قانون فی الطب»، «لغز الکافیة فی النحو»، «لغز فوائد الصمدیه»، «لغز کشاف»، «لغزی به مادر»، «لغزی درباره علی» که این لغزها، چیستان‌هایی است که شیخ در قالب آنها بیان کرده است.

– کتب ادبی؛

مثنوی‌ها؛ «نان و حلوا»، «شیر و شکر»، «نان و پنیر»، «طوطی نامه» و «موش و گربه».

ارتحال شیخ بهایی

به روایت تاریخ عالم آرای عباسی، شیخ بهایی در چهارم شوال سال 1030 و به روایتی دیگر، 1031 ه.ق در بستر بیماری افتاد و پس چند روز، روح بلند، جستجوگر و بی قرار او از زندان تن جدا شد و به عالم معنا پَر گشود. اصفهان پایتخت صفویه غرق در ماتم بود. پیکر شیخ را در مسجد جامع عتیق اصفهان غسل دادند در تشییع جنازه او میدان نقش جهان اصفهان، با آن وسعت، آن قدر پر جمعیت شده بود که حرکت را بسیار دشوار کرده بود. بیش از 50 هزار نفر در تشییع جنازه او شرکت داشتند علامه محمدتقی مجلسی بر وی نماز گزارد و بنا به وصیت او پیکرش را به مشهد مقدس انتقال دادند و در پایین پای مبارک، در محلی که زمانی محل تحصیل او بود، به خاک سپردند.

منابع:

سید حسین آل طه - مجله گلبرگ-بهمین 81 شماره 38_ ص 109.

سید مصطفی طباطبایی- پایگاه راسخون-جایگاه شیخ بهایی در فرهنگ و تمدن عصر صفوی

صحیفه امام-جلد سوم- ص 240 و 241

چهل حدیث روح الله الموسوی الخمینی

شرح جنود عقل و جهل روح الله الموسوی الخمینی